

## خواب و رؤیا در آثار علامه هزارجریبی استرآبادی (متوفای ۱۲۳۶ قمری)

علی قنبریان<sup>۱</sup>، مهشاد یعقوبی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> طلبه سطح ۴ حوزه علمیه (فقه و اصول) و پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناس ارشد الاهیات گرایش فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

### چکیده

خوابیدن و خواب دیدن امری معمول برای انسانهاست. خواب و رؤیا در مکاتب مختلف و علومى همچون روان‌شناسى مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در ادیان آسمانى همچون اسلام مطرح شده است. یکی از اندیشمندانى که به‌صورت غیرمستقیم به این مقوله پرداخته است و در آثارش رؤیاهایی را از دانشمندان و انسان‌های پرهیزکار و اهل سیر و سلوک مطرح کرده است، علامه محمدکاظم هزارجریبی (از دانشمندان کثیرالآثار اوایل دوره قاجار) است. هزارجریبی در آثارش هیچ‌گاه به مفهوم‌شناسی رؤیا نپرداخته و حدود و اقسام آن را بررسی نکرده است؛ بلکه از آنجا که دغدغه هدایت و ارشاد عموم مردم را داشته است، خواب‌ها و رؤیاهای صادقانه را بیان کرده است تا در ضمن آن‌ها معاد و پاداش اعمال صالح و عقوبت گناهان را اثبات کند. در این نوشتار، مفهوم «رؤیا» با محوریت آثار هزارجریبی (اعم از کتاب‌های چاپی و نسخه‌های خطی) واکاوی و شخصیت‌شناسی شده است. روش پردازش اطلاعات تبیینی تحلیلی انتقادی است.

**واژه‌های کلیدی:** محمدکاظم هزارجریبی، خواب و رؤیا، رؤیای صادقانه، کشف و شهود.

## ۱. رؤیای صادقانه

برای انسان‌های پاک و طاهر که از گناه مبرا هستند، کشف و شهود دست می‌دهد. به این معنا که برخی از حقایق عالم را درمی‌یابند. این حالت ممکن است در خواب یا بیداری باشد. کشف و شهودی که در خواب دست می‌دهد، مبشره یا رؤیای صادقانه نامیده می‌شود. شهود در خواب ممکن است، ارتباط با ارواح مردگان باشد یا خبر دادن از مغیبات. پیامبر اکرم<sup>۱</sup> درباره رؤیای صادق فرمودند: «لَا نُبُوءَ بَعْدِي إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۹۲؛ جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۳۱۲).

از ابی‌الطفیل از آن حضرت<sup>۲</sup> نقل شده است که نبوتی پس از من نیست جز مبشرات. گفتند: یا رسول‌الله مبشرات چیست؟ فرمود: خواب خوب دیدن.

حکما گویند که رؤیای صادقانه مربوط به عالم مثال است. در عالم مثال، صورت‌های جوهریۀ عالم مادی به‌صورت ثابت و بی‌حضور ماده وجود دارند؛ مانند مفهومی که هرکدام از ما از موجوداتی که قبلاً آنها را دیده‌ایم در ذهن خود تداعی می‌کنیم. برخی عالم مثال را دو قسم دانسته‌اند:

(الف) مثال متصل: به آن عالمی گفته می‌شود که موجودات آن قائم به نفوس جزئی می‌باشند مانند: مفهوم خیالی متصور.  
(ب) مثال منفصل: به عالمی گفته می‌شود که موجودات آن عالم وابسته به نفوس جزئی نیستند بلکه به‌صورت قائم به ذات و مستقل موجودند مانند: صورت‌هایی که در خواب دیده می‌شوند.

## ۲. نظر سه‌تن از دانشمندان درباره رؤیای صادقانه

علمای شیعه درباره خواب و رؤیا کتاب نوشته‌اند مانند: محدث میرزا حسین نوری طبرسی که کتاب «دارالسلام» را نوشته یا مرتضی مطهری که «داستان راستان» را برای نوجوانان و جوانان نگاشته است. همچنین اندیشمندان غیرمسلمان نیز به خواب و رؤیا توجه کرده و مکتوباتی در این حوزه دارند؛ همچون زیگموند شلومو فروید (Sigmund Schlomo Freud) زاده ۱۸۵۶م و درگذشته ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹. وی کتاب «تفسیر رؤیا» را در ۱۹۰۰ میلادی نوشته است.

درباره رؤیای صادقانه سخن سه تن علما و دانشمندان را نقل می‌کنیم. نفر اول و دوم (علامه سیدمحمدحسین حسینی تهرانی و علامه حسن حسن‌زاده آملی) از عارفان و عرفان‌پژوهان معاصر هستند و نفر سوم (شیخ عبدالحسین تهرانی) از دانشمندان دوره قاجار و امین و وصی<sup>۳</sup> امیرکبیر است:

## مورد اول: علامه سیدمحمدحسین حسینی تهرانی

«هرکدام از ما به نوبۀ خود در دوران زندگی خوابی از مرده دیده‌ایم که او کم‌وبیش حال خود را بیان کرده است. و چه‌بسا خبرهایی داده که هیچ‌کس اطلاع نداشته است؛ مثلاً گفته است من فلان مبلغ به فلان کس که ساکن فلان محلّ است قرض دارم، قرض مرا بدهید. چون بدین نشانی مراجعه شده معلوم شده است که همان مقدار بدون کم‌وزیاد مقروض بوده و چه‌بسا خود شخص طلبکار نیز اطلاع نداشته و پس از مراجعه به دفتر محاسبات خود معلوم کرده است. و سپس خواب همان شخص مرده را دیده و گفته است راحت شدم، و از دهنده قرض اظهار تشکر و امتنان نموده است. اینها ارتباطاتی است که نفس انسان با عالم مثال پیدا می‌کند، یا در خواب یا در هوشیاری مطالبی را از آنجا اخذ نموده و برای این عالم حسّ می‌آورد. چه‌بسا افراد روشن‌دل و پاک‌نیتی در عالم بیداری محض با عالم برزخ سروکاری پیدا کرده، با ارواح تکلم نموده، کیفیت محاسبات عالم قبر که همان عالم برزخست را برای ما بیان کرده‌اند. و این افراد اولاً آنقدر حائز مقام عدالت و تقوا و صدق بوده‌اند که در هزارهزار احتمال، یک احتمال دروغ در آنها نمی‌رود. و ثانیاً این افراد گرچه نسبت به قاطبۀ مردم و عامۀ آنها مردمی اندک‌اند ولی فی‌حدّ نفسه افراد کثیری بوده‌اند. و ثالثاً کیفیت اخبار اینها نیز از نقطه‌نظر بیان واقع، با یک‌دگر مشابه و به‌صور و اشکال مختلفی هریک برای ما از آن پرده غیب داستان‌هایی بیان کرده‌اند.» (سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، معادشناسی، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

علامه سیدمحمدحسین حسینی تهرانی در کتاب «معادشناسی» جلد اول صفحه ۱۳۹-۱۴۷ و جلد دوم صفحه ۲۲۱-۲۲۷، گزارش‌هایی از ارتباط با ارواح در قبرستان وادی‌السلام و قبرستان تخت فولاد اصفهان از ملا محمد مهدی نراقی، شیخ عباس قمی، و سیدجمال‌الدین گلپایگانی ارائه کرده است که برای رعایت اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

### مورد دوم: علامه حسن حسن‌زاده آملی

«رؤیا در حقیقت ارتباط نفس ناطقه با مبادی عالیّه است که معانی را از آنجا اتخاذ می‌کند و در کارخانه متخیله که کارخانه صورتگری است صورت می‌دهد. این دستگاه بوالعجب معنی را صورت می‌دهد. و صور معانی را با معانی مناسباتی است که بدان مناسبات، معانی صورت می‌یابند، و چون صورت خواب به معبر گفته شود از صورت عبور می‌کند به معنی می‌رسد و شخص خواب‌بیننده را از صورت به معنی عبور می‌دهد که می‌گویند خواب را تعبیر کرده است.» (حسن حسن‌زاده آملی، هزار و یک نکته، ص ۲۱).

### مورد سوم: رؤیای صادق از شیخ‌العراقین

مرحوم شیخ عبدالحسین تهرانی + نقل نمود: وقتی میرزا نبی‌خان که یکی از نزدیکان محمد شاه قاجار بود وفات کرد (او در حیاتش به فسق و فجور در ظاهر معروف بود)، شبی در خواب دیدم که گویا در باغ‌ها و عمارت‌های بهشتی گردش می‌کنم و کسی نیز همراه من است که منازل و قصرها را می‌شناسد، پس به جایی رسیدیم، آن شخص گفت: اینجا منزل (نبی‌خان) است و اگر می‌خواهی خود را ببینی آنجا نشسته سپس به مکانی اشاره کرد. من متوجه آنجا شده دیدم که او (میرزا نبی‌خان) در تالاری نشسته است. او چون مرا دید به من اشاره کرد که بیا بالا من نزد او رفتم پس برخاست و سلام کرد و مرا در صدر مجلس نشانید و خودش به همان عادتی که در دنیا داشت نشست، و من در حال او متفکر بودم. او به من نگاه کرد و گفت: ای شیخ گویا از مقام من تعجب می‌کنی، زیرا اعمال من در دنیا خوب نبود نتیجه‌ای جز عذاب دردناک نداشتم البته این‌طور هم بود اما من در طالقان معدن نمکی داشتم و هر سال در آمد آن را به نجف اشرف می‌فرستادم تا صرف برگزاری مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا شود. خداوند این مکان و باغ را در عوض آن به من عطا کرد.

مرحوم شیخ تهرانی گفت: من از خواب بیدار شدم در حالتی که متعجب بودم، فردای آن روز این رؤیا را در مجلس بازگو نمودم پس یکی از فرزندان ملا مطیع طالقانی گفت: این خواب صادقانه است او در طالقان معدن نمکی داشت و درآمد آن را که نزدیک صد تومان بود هر ساله به نجف می‌فرستاد و پدر من مسئول خرج کردن آن در راه عزاداری امام حسین بود. مرحوم شیخ تهرانی فرمود: تا آن وقت من نمی‌دانستم که او در طالقان ملک دارد و هر سال در نجف مراسم عزاداری بر پا می‌کند (سیدعبدالحسین دستغیب، داستان‌های شگفت؛ به نقل از محمد رضائی‌نسب، داستان‌های حسینی، ص ۲۶۹-۲۷۰).

### ۳. دیدگاه علامه هزارجریبی درباره رؤیای صادقانه

هزارجریبی در کارکرد رؤیای صادق برای هشدار و هدایت عموم مردم توجه داشته است و برای تأثیرگذاری بر توده مردم که غالباً اجنبی و غریب نسبت به دلیل و برهان هستند و به همان اندازه از قوت تخیل بالایی برخوردارند، از عنصر خواب و رؤیای صادقانه و امور خارق‌العاده استفاده می‌کند تا تدین و روبه‌سوی‌خدا آوردن در آن‌ها تقویت شود و برای دو عنصر فوق‌علاوه بر آنکه در لایه‌های مکتوباتش وقایعی ذکر می‌کند (مانند رؤیاهایی که در ارتباط با استادش، سیدمحمد مهدی بحر العلوم، در رساله «جدلیه» گزارش کرده است)، (محمدکاظم هزارجریبی، فضایل و کرامات علامه سیدمحمد مهدی بحر العلوم، ص ۴۳-۴۴ و ص ۵۰-۵۱) رساله «تحفه‌الاخیار» را تألیف می‌کند و در آن دوازده واقعه درباره اهل برزخ در قبرستان وادی‌السلام بیان می‌کند (محمدکاظم هزارجریبی، احوال مردگان در قبرستان وادی‌السلام، ص ۴۹-۹۲). مطالب کتاب گزارش از وقایع خارق‌العاده می‌دهد که با وسایل مادی و عادی قابل سنجش و نقض و اثبات نیست، اما با توجه به آنکه گوینده آن عالم فاضل، عادل، و با تقوایی با نام هزارجریبی است که در نزد اساتید بزرگ و بنامی تلمذ کرده و همچنین شاگردان فاضلی در نزد ایشان تربیت شده‌اند، می‌توان گفتار وی را قبول کرد و مهر صحت بر آن نهاد. مطالعه این کتاب می‌تواند برای عموم مردم سودمند بوده و سبب تقویت ایمان آن‌ها شود. هزارجریبی اگرچه در بیان این رؤیاهای صادقانه برهان و استدلالی بر وجود معاد اقامه نکرده است، اما معاد و زندگی پس از مرگ را مطرح کرده و افراد غیردانشمند را که با درس و برهان سروکاری ندارند، تحت تأثیر قرار

داده است. از دانشمندان معاصر، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی به این مقوله پرداخته و کتاب «ارتباط با ارواح» از وی در انتشارات نسل جوان چاپ و منتشر شده است.

کتابی دیگر با عنوان «تحفه‌الاخیار» وجود دارد و مؤلف آن مولی محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی است و مشتمل بر هزار بیت فارسی در مدح امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> و ردّ صوفیه است. شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب «الذریعة» کتاب مذکور را نام برده و گزارش کرده که از جمله کتاب‌هایی است که در کتابخانه حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی موجود بوده است (علی‌اکبر نهاوندی، العبقری الحسان، ص ۴۳). لازم است محققان و خوانندگان توجه داشته باشند و بین دو کتاب تحفه‌الاخیار هزارجریبی و مولی محمدطاهر خلط و اشتباه نکنند.

البته به این صورت نبوده است که هزارجریبی از هر کسی و از هر کوی و برزنی رؤیا نقل کند بلکه رؤیاها را از دانشمندان و عالمان راستینی نقل کرده که علم و عمل آن‌ها شهرة آفاق است. برای مثال ایشان در فصل سوم (فصل سوم در «تعریف حائر و فضیلت نماز کردن در آن و فضیلت کربلای معلّا» است) از رساله «تحفه‌المجاور» (رساله مذکور در پنج فصل و یک خاتمه تنظیم شده است) سه خواب از سه تن از اساتیدش (محمدباقر بهبهانی، سیدمحمد مهدی موسوی شهرستانی، و سیدعلی طباطبایی) احتمالاً بدون واسطه نقل می‌کند. رؤیاهای محمدباقر بهبهانی<sup>ع</sup> و سیدعلی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل» درباره فضیلت دفن در کربلا و استخفاف عذاب بر مدفونین سرزمین کربلا است اما رؤیای میرزا محمد مهدی شهرستانی<sup>ع</sup> در ارتباط با فضیلت بیتوته کردن و اقامت یک شب در کربلا است و ثمره آن نجات از عذاب جهنم است؛ اگرچه شخص آن یک شب را در کربلا به شب‌زنده‌داری و تهجد و عبادت نگذراند.

هزارجریبی در اواخر رساله «جدلیه» درباره استادش، علامه بحر العلوم قلم‌فرسایی کرده و درباره‌اش چنین گوید: «بعضی از ثقات نقل کردند که آن سید بزرگوار خواب‌های بسیار دیده بود و در یکی از آن خواب‌ها دید که او را داخل بهشت کردند و قصر او را به او نمودند و او در حوالی قصر خود قصری دیگر دید. پرسید که این قصر از کیست؟ گفتند از جوانی است در حله که قهوه‌چی است و اوصاف و شمایل آن جوان را برای او وصف کردند...» (محمدکاظم هزارجریبی، فضایل و کرامات علامه سیدمحمد مهدی بحر العلوم، ص ۴۳-۴۴).

و در قسمتی دیگر از همان رساله درباره خواب‌هایی که خود دیده است، گوید: «مؤلف گوید که حقیر خواب‌های چند دیدم برای جلالت آن بزرگوار و یکی از خواب‌های حقیر پیش از فوت آن جناب بود به چهار ماه فاصله و آن خواب مشتمل بر کیفیت وفات او بود. و یکی از آن خواب آن بود که کسی را دیدم که به گمان حقیر آن ملک بود که می‌گفت ای حیف از سیدمحمد مهدی ای حیف از سیدمحمد مهدی که مردم قدر او را ندانستند. اگر حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه ظاهر می‌بود، قدر سیدمحمد مهدی بر مردم معلوم می‌شد زیرا که حضرت صلوات‌الله‌علیه بسیاری کارهای خود را به او محوّل می‌کرد.» (محمدکاظم هزارجریبی، فضایل و کرامات علامه سیدمحمد مهدی بحر العلوم، ص ۵۰-۵۱).

ممکن است کسی اشکال کند که بیان این‌گونه موارد (خواب و رؤیا) در قالب حکایات و داستان به دور از مباحث علمی و فنی است و سزاوار دانشمندان نیست. در جواب گوییم که برای عالمان دینی استفاده از این عنصر هیچ اشکالی ندارد زیرا که در اقناع عوام از مخاطبان بسیار کارساز است و به صورت ضمنی معاد را اثبات می‌کند و هزارجریبی برخی از آثارش را برای عوام و ارتقاء سطح معرفت دینی آن‌ها نگاشته است و این‌گونه نبوده است که تمامی آثارش مانند رساله «عماد العمل و العاصم عن الخطأ و الزلل» را برای تحصیل کرده‌ها و محققان بنویسد. این رساله به عربی است و همچون کتاب «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» نیمه‌استدلالی بوده و به سبک اصولیان به استدلال و استنباط احکام شرعی پرداخته است. هزارجریبی در مقدمه رساله «تحفه‌الاخیار» هدف خود از نگارش کتاب را چنین بیان می‌کند:

«در بیان قلیلی از آنچه مشاهده شده است از اهل برزخ در وادی السلام که ذکر این‌ها باعث مزید اطمینان مؤمنین گردد و آن را به تحفه‌الاخیار مسمی گردانیدم.» (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی تحفه‌الاخیار، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۷؛ محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی تحفه‌الاخیار، کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره بازیابی: ۳۶۲۹).

از نظر هزارجریبی یکی از اختصاصات پیامبر اسلام<sup>۱</sup> نسبت به عموم مردم این است که، ایشان هیچ‌گاه محتلم نشد و خواب شیطانی ندید (علی قنبریان، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای‌مانده، ص ۳۵۲).

#### ۴. نمونه‌هایی از رؤیای صادقانه در آثار علامه هزارجریبی

##### ۱.۴. رؤیای اول از علامه محمدباقر بهبهانی

هزارجریبی گوید:

«ما به فضل خداوند کریم و به برکت حضرت سیدالشهدا صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین و اولاده المعصومین، امیدواری عظیمی داریم در خلاصی عقوبات برزخ و قیامت از برای کسی که در ارض اقدس کربلا مدفون گردد و نیکان مؤمنان در این خصوص خواب‌های بسیار دیده‌اند. حقیر قلبی از آنها را در اینجا ایراد می‌نمایم برای ترغیب مجاوران و غیرایشان از مؤمنان. اول خوابی است که جناب آقا محمدباقر بهبهانی<sup>۲</sup> دیده است. و حقیر شنیده‌ام از آن مرحوم که می‌فرمود من حضرت امام حسین<sup>۳</sup> را در خواب دیدم و به خدمت آن جناب عرض کردم که ای آقا آیا کسی که در جوار شما دفن گردد از او سؤال می‌کنند؟ حضرت فرمود که کدام ملک را یارای آن است که از او سؤال کند؟

##### ۲.۴. رؤیای دوم از علامه سیدمحمد مهدی موسوی شهرستانی

هزارجریبی نقل کرده است:

دوم خوابی است که جناب میرزا محمد مهدی شهرستانی<sup>۴</sup> دیده است در تعریف کربلای معلی. و آن خواب آن است که جناب میرزا محمد مهدی فرموده است که من در اوان شباب به شرف مجاورت حضرت امام حسین<sup>۵</sup> مشرف شدم و مرد بسیار صالحی که نام او حاجی حسنعلی بود مشهور به خاتون‌آبادی در نجف مجاور شد و با من صداقتی داشت و پیوسته به من می‌گفت که بیا در نجف مجاور شو که مجاورت نجف بهتر است و مجاورت کربلا باعث قساوت قلب است. پس من شبی در خواب دیدم که من در رواق حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة و علیه السلام که در جانب بالاسر در پیش پنجره که ضریح مقدس حضرت پیدا است، می‌باشم و حاجی حسنعلی مزبور نیز در آنجا هست و باز به آن عادت سابق گفت‌وگوی، انکار مجاورت کربلای معلی می‌نماید. پس دیدم که حضرت صاحب‌الامر<sup>۶</sup> در آن مکان تشریف دارند و حاجی حسنعلی به آن جناب عرض کرد که شما در اینجا تشریف دارید و مردم برای زیارت شما به سامره می‌روند و حضرت فرمودند که من در آنجا هم هستم. پس آن شخص عرض کرد که هرگاه مرخص می‌فرمایید من بروم و در را بگشایم و جاروب کنم. فرمودند که مرخصی پس [از] آن حضرت صاحب‌الامر<sup>۷</sup> ابتدا کرده فرمودند که از کربلای معلی کسی را به جهنم نمی‌برند. آنگاه به ضریح مقدس حضرت امیرالمؤمنین<sup>۸</sup> اشاره کردند و فرمودند که به حق امیرالمؤمنین<sup>۹</sup> که از کربلا کسی را به جهنم نمی‌برند. پس مرا به خاطر رسید که قسم معصوم به جهت انکار حاجی حسنعلی است در باب مجاورت کربلای معلی. و حضرت بعد از آن فرمودند که به شرطی که یک شب را در آنجا بماند. حقیر چنان فهمیدم که مقصود حضرت از ماندن شب آن است که شب را در آنجا به عبادت به سر برد. من عرض کردم که ما هر شب را تا طلوع آفتاب می‌خوابیم. فرمودند هر چند که تا طلوع آفتاب بخوابید و [به] سبب این رؤیا حقیر مجاورت این مکان شریف را اختیار کردم (سید محمود امامی اصفهانی، ثمرات الحیوة، ص ۸۳؛ به نقل از محمد رضائی نسب (تهرانی)، داستان‌های حسینی، ص ۳۶۹).

##### ۳.۴. رؤیای سوم از علامه سیدعلی طباطبایی

هزارجریبی نقل کرده است:

سوم خوابی است که مولانا آقا سیدعلی (سیدعلی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل».) ادام الله مجده دیده است در تعریف کربلای معلی. و آن چنان است که جناب سید می‌فرماید که من در ایام تحصیل در شب‌های جمعه برای زیارت اهل قبور به قبرستان خیمه‌گاه بیرون می‌رفتم که برای مردگان فاتحه بخوانم. پس شبی از شب‌ها در خواب دیدم که من به آن قبرستان رفتم و دیدم که تمام عمارت‌ها و خان‌های آن بلدة طیبه همه برداشته شده است و تمام آن مکان مقدس مانند قبرستان شده است و بلند گردیده است و من متفکر و مستوحش شدم. پس صدای هاتفی را شنیدم که به زبان فارسی می‌گوید خوشا حال

کسی که در این ارض اقدس مدفون گردد. اگرچه با هزاران گناه باشد از هول قیامت به سلامت در رود و هیهات و هیهات که کسی در اینجا مدفون نشود و از هول قیامت به سلامت در رود (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی رساله «تحفةالمجاور»، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۴۵۲۷/۶؛ محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی رساله «تحفةالمجاور»، کتابخانه مروی، شماره بازیابی ۹۲۴؛ محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی رساله «تحفةالمجاور»، کتابخانه مروی، شماره بازیابی ۹۵۲). از دعای «ادام الله مجده» که هزارجریبی آورده است، دانسته می‌شود که سیدعلی طباطبایی در زمان نگارش رساله حاضر یعنی «تحفةالمجاور» زنده بوده است و از آنجا که وفات سید ۱۲۳۱ قمری است، می‌فهمیم که رساله قبل از ۱۲۳۱ قمری نوشته شده است.

#### ۴.۴. رؤیای چهارم از علامه سیدمحمد مهدی بحر العلوم

هزارجریبی نقل کرده است:

بعضی از ثقات نقل کردند که آن سید بزرگوار خواب‌های بسیار دیده بود و در یکی از آن خواب‌ها دید که او را داخل بهشت کردند و قصر او را به او نمودند. و او در حوالی قصر خود قصری دیگر دید پرسید که این قصر از کیست؟ گفتند از جوانی است در حله که قهوه‌چی است و اوصاف و شمایل آن جوان را برای او وصف کردند.

پس سید رضوان الله علیه یکی از مؤمنین نجف را طلبید و به او فرمود که به حله برو و در قهوه‌خانه‌های آن مرور نما و به قهوه‌چی‌ها نظر کن. جوانی در یکی از آن قهوه‌خانه‌ها هست به فلان و فلان صفت و چون او را پیدا کنی، در خانه او منزل کن و تا سه روز نزد او مکث کن و در این مدت به اطوار و اعمال او ملاحظه نما و ببین که چه اعمالی دارد که مستحق چنین جای گزیده است و خواب خود را برای آن نجفی بیان کرد. پس فرمود اگر از اعمال او چیزی نیابی که تو را دلالت کند بر استحقاق او به آن منزلت، پس بعد از آن از او سؤال کن که چه عمل کردی که سید چنین خوابی از برای تو دیده است.

پس آن مرد به فرموده سید به حله رفت و در قهوه‌خانه‌ها مرور نمود تا در یکی از آن قهوه‌خانه‌ها آن جوان را دید. پس به گوشه‌ای نشست و اطوار او را ملاحظه نمود تا نزدیک غروب آفتاب. آن‌گاه به نزد او رفت و گفت که من یکی از اهل نجفم و امشب مهمان توام. پس جوان او را به خانه برد و تا سه شب در منزل او ماند و از او کاری ندید که او را دلالت کند بر استحقاق آن منزلت عالی.

پس به او گفت که جناب سید چنین خوابی برای تو دیده است و به این سبب مرا به نزد تو فرستاده است که اطوار تو را ملاحظه کنم شاید بیایم که به چه خصلت تو صاحب چنین منزلت شدی و من در تو چیزی ندیده‌ام که مرا دلالت بر آن کند. اکنون خبر ده مرا که چه کار کردی که مستحق این جاه گردیده‌ای؟ جوان چون این سخن را شنید گریان گردید و گفت من کاری نکرده‌ام که مستحق چنین منزلت گردم مگر آنکه در هنگام تزویج من مادرم ابرام می‌نمود که زنی اختیار کنم و من می‌گفتم که زن نمی‌گیرم مگر آنکه جماعت بسیار از دختران را که در یک‌جا مجتمع باشند به من بنمایی تا آنکه من یکی را در میان آن‌ها اختیار کنم و آلا که اختیار زن نخواهم نمود.

پس مادرم در یکی از عروسی‌ها که دختران بسیار در یک‌جا جمع شده بودند، مرا با خود برد به آن مکان به‌نحوی که کسی نیاید. پس من به آن دختران نظر کردم و در میان آن‌ها یکی را اختیار کردم و مادرم آن دختر را برای من گرفت و در شب عروسی چون دست او را بر دست من دادند و حاضران رفتند و من به نزد دختر رفتم، دیدم که دختر اضطراب بسیاری دارد. چون سبب آن را سؤال کردم گفت اگر مرا می‌کشی اختیار داری و می‌گذاری اختیار داری. من در این ساعت درد زاییدن دارم و چون من این سخن را از او شنیدم گفتم غم مخور که تو همیشه زن من خواهی بود و این فرزند فرزند من خواهد بود.

پس در آن وقت رفتم به محله‌ای که مرا شناسند. زنی آوردم که متوجه او باشد تا آنکه پسری زاید. آن‌گاه زن خود را فرستادم به خانه مادر او که تا هفت روز در خانه مادر باشد به بهانه بیماری و آن طفل را در میان خرقه‌ای پیچیدم و پیش از صبح بردم در یک جانب مسجد گذاشتم و چون پیش‌نماز برای نماز صبح آمد و مردم جمع شدند، صدای گریه طفل را شنیدند. گفتند که این طفل از کیست که در اینجا انداخته‌اند؟ پیش‌نماز گفتند که کسی هست این طفل را بردارد و برای خدا او را تربیت نماید. پس من پیش رفتم و گفتم که من آن را تربیت می‌کنم. آن‌گاه طفل را برداشتم و به خانه بردم و دایه برای او آوردم و بعد از

هفت روز مادر طفل را نیز به خانه خود آوردم و آن طفل را بزرگ کردم و او اکنون این کودک است که می‌بینی و تا حال غیر من و مادر او کسی بر این امر اطلاع نداشت و الحال برای خاطر سید این قضیه برای تو نقل کردم. شاید که این ستر کردن من این کار را، حق تعالی را خوش آمده باشد و به این سبب به من رحم کرده باشد.

برخی از این رؤیاهای صادق را دانشمندان از هزارجریبی اخذ کرده و در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند؛ مثلاً رؤیای سیدعلی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل» را محمدهاشم خراسانی، در کتاب «منتخب التواریخ» (محمدهاشم خراسانی، منتخب التواریخ: در زندگانی چهارده معصوم<sup>ع</sup>، ص ۳۰۸).

خود از کتاب «کلمه طیبه» محدث نوری نقل کرده است یا رؤیای آقا محمدباقر بهبهانی را شیخ عباس قمی در «الفتاوی‌الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة» (شیخ عباس قمی، الفتاوی‌الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، ج ۲، ص ۹۲۷).

و مرحوم علی دوانی در «مفاخر اسلام» (علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۹، ص ۳۴۵-۳۴۶؛ علی دوانی، آقا محمدباقر بن محمداکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی سرآمد محققین و دانشمندان شیعه در سده دوازدهم هجری، ص ۱۹۵) از «دارالسلام» نوری نقل کرده است. تمامی منابع فوق، رؤیاها را با واسطه از هزارجریبی نقل کرده‌اند. علی دوانی در همین منبع بعد از ذکر رؤیای آقا محمدباقر بهبهانی گفته: «ما همین مطلب را بعینه قبلاً از کتاب ریاض الجنه زنوزی که او نیز از افضل شاگردان آقا و خود از آقا شنیده است نقل کردیم که می‌رساند آقا این جواب و نظایر آن را مکرر بازگو می‌کرده و به آن اهمیت می‌داده یا در مجلسی که نقل فرموده زنوزی و محمدکاظم هزارجریبی هر دو حضور داشته‌اند.»

۵. نقد و مذمت برخی از رؤیاها توسط هزارجریبی

هزارجریبی به تبع علامه مجلسی، روی خوشی نسبت به فلاسفه و عرفا و متصوفه ندارد و آن‌ها را به شدت سرزنش و مذمت می‌کند. هزارجریبی ابعاد و حوزه‌های مختلفی از سخنان و گفتار فرقه‌های مذکور را نقل و ابطال می‌کند. یکی از آن حوزه‌ها مربوط به خواب‌ها و رؤیاهایی است که از آنان نقل شده است. این روش هزارجریبی (تأیید رؤیاهای عالمان شیعه مانند بحر العلوم و نقد و رد رؤیاهای عارفانی همچون ابن عربی)، قابل تأمل و نقد است. در ذیل برخی از نقدهای هزارجریبی بر برخی از رؤیاها را می‌آوریم:

#### ۱.۵. نمونه اول: نقد هزارجریبی بر رؤیای سهرودی

«و بعضی از این اشقیا دعوی می‌نمایند که ایشان سیر انوار می‌نمایند و آن را اطوار سبعة می‌نامند و آن را شاهد وحدت وجود می‌دانند و کشفش نام می‌کنند. بی‌شک و شبهه مثل خیال هنگیانیست. شیخ شهاب‌الدین که یکی از اکابر اولیای اهل سنت است و در تفصیل انوار رساله تصنیف نمود و در آن رساله این واقعه را در سیر انوار ذکر کرد و گفت که در خواب دیدم عالم بی‌نهایت از نور سبز هزار هزار دور اعظم در آن عالم سیر نمودم و به هر دوری حضرت حق هزار هزار مرتبه تجلی به من نمود و به هر تجلی فنایی و بقایی یافتم. بعد از آن به عالم بی‌نهایت از نور کبود رسیدم و در آن نیز چنان شد و بعد از آن به نور سرخ رسیدم و در آن نیز چنان شد و بعد از آن به نور زرد رسیدم و در آن نیز چنان شد و بعد از آن به نور سفید رسیدم در آن نیز چنان شد و بعد از آن به نور سیاه رسیدم در آن نیز چنان شد و بعد از آن رسیدم به عالم بی‌رنگ و در آن نیز هزار مرتبه فانی شدم و هزار مرتبه بقا یافتم تا آنکه دیدم که خودم خالق و خودم رازق و علم من محیط است به جمیع اشیا تا آنکه به همه وحوش و طیور، عالم بودم و {لَمَنِ الْمُلْكُ} (غافر: ۱۶/۴۰) می‌گفتم و از آسمانها گذشتم تا آنکه حضرت حق را دیدم به صورت پیر خود تا آنکه به عرش رفتم و از آن طیران نمودم تا آنکه فنای یافتم و بعد از آن بقای یافتم تا آنکه دیدم که همه عالم را و هرکس را که می‌خواستم می‌کشتم و هرکه را می‌خواستم زنده می‌کردم و به همه روزی می‌دادم و به همه صفات حق متصف بودم. ناگاه دیدم که همه عالم شراب شد و من همه را آشامیدم و باز تجلی شد.» (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی منبه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۵-۳۲۱۴۹).



**۲.۵. نمونه دوم: نقد هزار جریبی بر رؤیای ابن عربی**

استاد مرتضی مطهری از ابن عربی با عنوان پدر عرفان اسلامی نام می‌برد و درباره‌اش می‌گوید: محی‌الدین عربی خواه ناخواه پدر عرفان اسلامی است و او بود که تحول عظیم در عرفان اسلامی به وجود آورد (مرتضی مطهری، عرفان حافظ، ص ۴۲). ابن عربی کتاب مشهوری با عنوان «فصوص الحکم» دارد. به گفته پرفسور هانری کربن در کتاب «ملاصدرا فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی»، «فصوص الحکم» ابن عربی مهم‌تر و مشهورتر از «فصوص الحکم» ی است که ابونصر فارابی نگاشته است. به هر حال، ابن عربی در مقدمه کتاب فصوص الحکم، گوید که محتویات کتاب را تماماً در رؤیای صادقانه (مبشره) از پیامبر اکرم دریافت کرده است. متن ابن عربی چنین است:

«أما بعد: فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي مُبَشِّرَةٍ أُرِيَّتْهَا فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ مُحَرَّمِ سَنَةِ سَبْعٍ وَ عَشْرُونَ وَ سِتْمِائَةَ بِمَحْرُوسَةِ دِمَشْقٍ، وَ بَيَّهْتُ كِتَابًا. فَقَالَ لِي: هَذَا كِتَابُ "فُصُوصِ الْحِكْمِ" خَذَهُ وَ اخْرَجَ بِهِ إِلَى النَّاسِ يَنْتَفِعُونَ بِهِ، فَقُلْتُ: السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ أَوَّلَى الْأَمْرِ مِنَّا كَمَا أَمَرْنَا.» (محی‌الدین ابن عربی، فصوص الحکم، ج ۱، ص ۴۷).

هزار جریبی ابن عربی و رؤیای وی درباره تألیف کتاب «فصوص الحکم» را چنین نقد و مذمت می‌کند:

«ای اهل عقل و بصیرت نظر نمایید به این خبیث گمراه که از برای فریب عوام چه دعوای دروغ و خلاف عقل را می‌نماید و ابلهان بی‌بصیرت را به دام تزویر خود درمی‌آورد. و در کتاب فصوص الحکم گفته است که من در خواب دیدم که رسول خدا را. در دست آن حضرت کتابی بود که گفت این را بگیر و برای مردم ظاهر کن. و گفت چون در دمشق شام این خواب را دیدم و بعد از آن خواب این کتاب فصوص الحکم را تألیف [کردم]. این بی‌دین و رئیس ملحدین و احیاکننده دین شیاطین این خواب را از روی دروغ و افترا نقل کرده است یا آنکه با القای شیاطین این به نظر [اش] آمده است و خاتم الانبیا از آن جلیل‌تر است که به خواب چنین زندیقی آید و به او چنین چیز امر فرماید. عجب از عقل آن ابلهانی که این احمق را در این دعوی تصدیق کرده‌اند. همه ستیان او را از اکابر اولیا می‌دانند و مرشد و راهنمای خود اخذ کرده‌اند.» (محمد کاظم هزار جریبی، نسخه خطی منبه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۵۳۲۱۴۹).

**۳.۵. نمونه سوم: نقد رؤیای مأمون خلیفه عباسی**

چون زمان مأمون عباسی که یکی از مخربان دین و کشنده و قاتل ثامن ائمه طاهرين است و او به وسوسه و فریب شیطان کتب فلسفه را که افکار واهی و خیالات فاسده حکماء یونان و [...] در آن هست، از بلاد روم آورد و امر کرد که عارفان به لغت عرب و یونان را که آن کتب را به زبان عرب ترجمه نمایند و سعی تمام در این باب کرد چنان‌که صاحب «تاریخ حکما» نقل کرد در کتاب خود که مأمون اموال بسیار صرف این کار کرد و سبب رغبتش در این کار آن بود که او ارسطاطالیس (ارسطاطالیس: ارسطو) را به خواب دید و گفت در خواب ازو پرسیدم که فعل حسن کدام است؟ گفت آنست که نزد عقل حسن باشد. گفتم بعد از آن کدام است؟ گفت آنچه نزد شرع حسن باشد. گفتم بعد از آن کدام است؟ گفت آنچه نزد عرف حسن باشد. گفتم بعد از آن کدام است؟ گفت لا. یعنی غیر این‌ها دیگر چیزی نیست که حسن باشد. و شکی نیست که ابلیس خود را به این صورت به او نمود که او را بدارد به ترویج طریقه باطله فلسفه که باعث خرابی دین و ضعف یقین و حدوث شکوک و شبهه شیاطین است در میان مردم پهن کند (محمد کاظم هزار جریبی، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه المغرورین، ص ۷۴-۷۵).

**۴.۵. نمونه چهارم: نقد کشف و شهود و وحدت وجود**

بعضی از تابعان حلاج و بازید دعوی کرده‌اند که وحدت وجود را از راه کشف دانسته‌اند و سبب این دعوی ایشان آنست که این طایفه با این اعتقاد باطل ریاضت‌های غیر مشروع می‌کشند و چهل روز ترک حیوانی می‌کنند و در محل تاریک تنها به سر می‌برند. پس به این سبب مزاج ایشان فاسد می‌شود و خبط دماغ عارض ایشان می‌گردد مانند صاحب مالیخولیا و مانند کسی که بنگ خورده باشد. پس ممکن است که ایشان عالمی را مشاهده کنند غیر این عالم و صورت اعتقادات باطله خود را در عالم خواب و خیال مشاهده کنند و گمان کنند که آنچه دیده‌اند در واقع آن چنانست که ایشان دیده‌اند. گاهی در عالم خواب و خیال به آسمان و عرش و کرسی می‌روند و خدا را به صورت پیر خود می‌بینند و گاهی خود را خدا می‌بینند و گمان می‌کنند که آنچه طلب کرده‌اند در واقع خود خدا بوده‌اند.



و در کتاب «تبصرة العوام» و غیر آن نقل کرده‌اند که یکی ازین گروه که او طالب حق بوده و در بلاد می‌گردید و می‌پرسید و به مقصود نمی‌رسید تا آنکه در مکه مجاور شد و در آنجا به خواب دید شخص نورانی را و به او گفت که مرا به حق راهنمایی کن. پس آن کس ریش کسی را گرفته به دست او داد و گفت این را محکم بگیر. پس از خواب بیدار شد و دید که ریش خود را در دست دارد. اگر این خواب راست است بی‌شک شیطان ریش او را به دستش داده است و ریش‌خندش کرده است تا آنکه گمراهی او را زیاده گرداند. ای عاقل منصف نظر کن به سفاقت این بی‌عقلان که با مثال این خواب و خیال حکم بر وحدت وجود خدایی خود می‌کنند و ترک دلیل عقل و نقل می‌نمایند. این خواب و خیال خود را کشف نام می‌کنند (محمدکاظم هزارجریبی، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه‌المغرورین، ص ۱۳۲-۱۳۳).

#### ۵.۵. نمونه پنجم: نقد رؤیای رابعه عدویه (بانوی صوفی و شاعر عربی)

عطار در «تذکره» نقل کرده است... که رابعه گفت من رسول را در خواب دیدم. به من گفت ای رابعه مرا دوست داری؟ گفتم همه تو را دوست دارند ولیکن دوستی خدا دل مرا جایی خالی نگذاشته است که دیگری را دوست داشته باشم. و کفر این جماعت را نظر کن که دوستی بهترین خلق و دشمنی بدترین [خلق] که ضروری دین و فطری مسلمین است و در دل هر مسلمان البته هست، ایشان می‌گویند که ما از آن عاری ایم و خارج از دین مسلمین هستیم. ای اهل عقل و بصیرت نظر نمایید به این خبیث گمراه که از برای فریب عوام چه دعوای دروغ و خلاف عقل را می‌نماید و ابلهان بی‌بصیرت را به دام تزویر خود درمی‌آورد (محمدکاظم هزارجریبی، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه‌المغرورین، ص ۱۵۷-۱۵۸).

#### ۵.۶. نمونه ششم: نقد خواب خلیفه دوم

و یکی از دروغ و زندقه‌های او (مولوی) آنست که اشعاری چند گفته است به اینکه سائلی به نزد عمر رفت و از او سؤال کرد. عمر چیزی به او نداد. پس عمر را درحال خواب ربود و در خواب به او وحی رسید که چرا آن سائل را راندی و عمر به پی او دوید و سلام الهی به او رسانید و او را راضی گردانید و آن سائل را پیر چنگی می‌گفتند که در مدت هفتاد سال، کار او ملاهی و بازی و فجور و زندقه و معاصی بود. بلی سائلی که آراسته به این نوع شقاوت باشد و با این، مستحق سلام الهی باشد و وحی‌رساننده آن عمر باشد (محمدکاظم هزارجریبی، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه‌المغرورین، ص ۱۸۶).

#### ۵.۷. نمونه هفتم: نقد رؤیای ابوالحسن خرقانی

و یکی از اولیای اهل سنت که شهرت عظیم دارد و ملای رومی او را در «مثنوی» مدح بسیار کرده است، ابوالحسن خرقانی است و عطار او را مدح بسیار کرده است و گفته است... که دوزخ را دیدم. ندا از حق آمد که این جایست که خوف همه خلق [را] بانیست. پس از جای خود جستم [و] در قعر دوزخ فرورفتم و گفتم این جای من است. پس دوزخ با اهلش از من گریختند و گفت به خدا گفتم که چون منکر و نکیر مرا از تو پرسند، حلق و حلقوم ایشان را بگیرم... و گفت خدا را به خواب دیدم. گفت ای ابوحسن می‌خواهی که با تو باشم؟ گفتم نه بلکه می‌خواهم که هرچه بخواهم به من دهی. گفت می‌دهم آلا خدایی و گفت هرکه بعد از مرگ من دست بر خاک من گذارد و حاجت خواهد، حاجت او روا شود. هرکه بهره‌ای از عقل و انصاف و ایمان دارد، قطع به هم می‌رساند بر کذب این سخنان. و این اباطیل که این اشقی‌الاشقی‌ا ادا نموده است دلالت دارد بر آنکه این ملحد را که از اعظم زنداقه است. و به این زشتی اعتقادی که داشت پادشاه سنیان سلطان محمود فریفته او شده بود... سخط الهی بر چنین دروغ‌گویان باد (علی قنبریان، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای‌مانده، ص ۳۲۹-۳۳۰).

#### نتیجه‌گیری

همه انسان‌ها در طول زندگی تجربه خواب و رؤیا را دارند. بسیاری از خواب‌ها، آشفته و نتیجه استرس‌ها و تنش‌های در روز هستند و هیچ واقعییتی در ورای آن‌ها نیست اما برخی از رؤیاها کاشف از برخی واقعیات هستند که از آن‌ها به رؤیای صادقانه و مبشرات تعبیر می‌شود. هزارجریبی از دانشمندانی است که به رؤیاهای صادقانه پرداخته و نمونه‌هایی از آن‌ها را در آثارش ذکر کرده است. هزارجریبی به‌ندرت رؤیاهای خوددیده را که تجربه‌کرده بیان می‌کند و بیشتر رؤیاهای دانشمندان و صالحان به‌ویژه

اساتید خودش را مطرح کرده است. هزارجریبی بر این رؤیایها که مضامین برخی نیز امور خارق‌العاده است، مهر تأیید زده است اما رؤیاهای نقل‌شده از سوی برخی از عارفان و صوفیه را نقد و رد کرده است. گرچه هزارجریبی در نقد و مذمت برخی از رؤیایها توانمند است اما در رد برخی دیگر ناکام مانده و دلایل ناکافی را مطرح کرده است.

## منابع و مأخذ

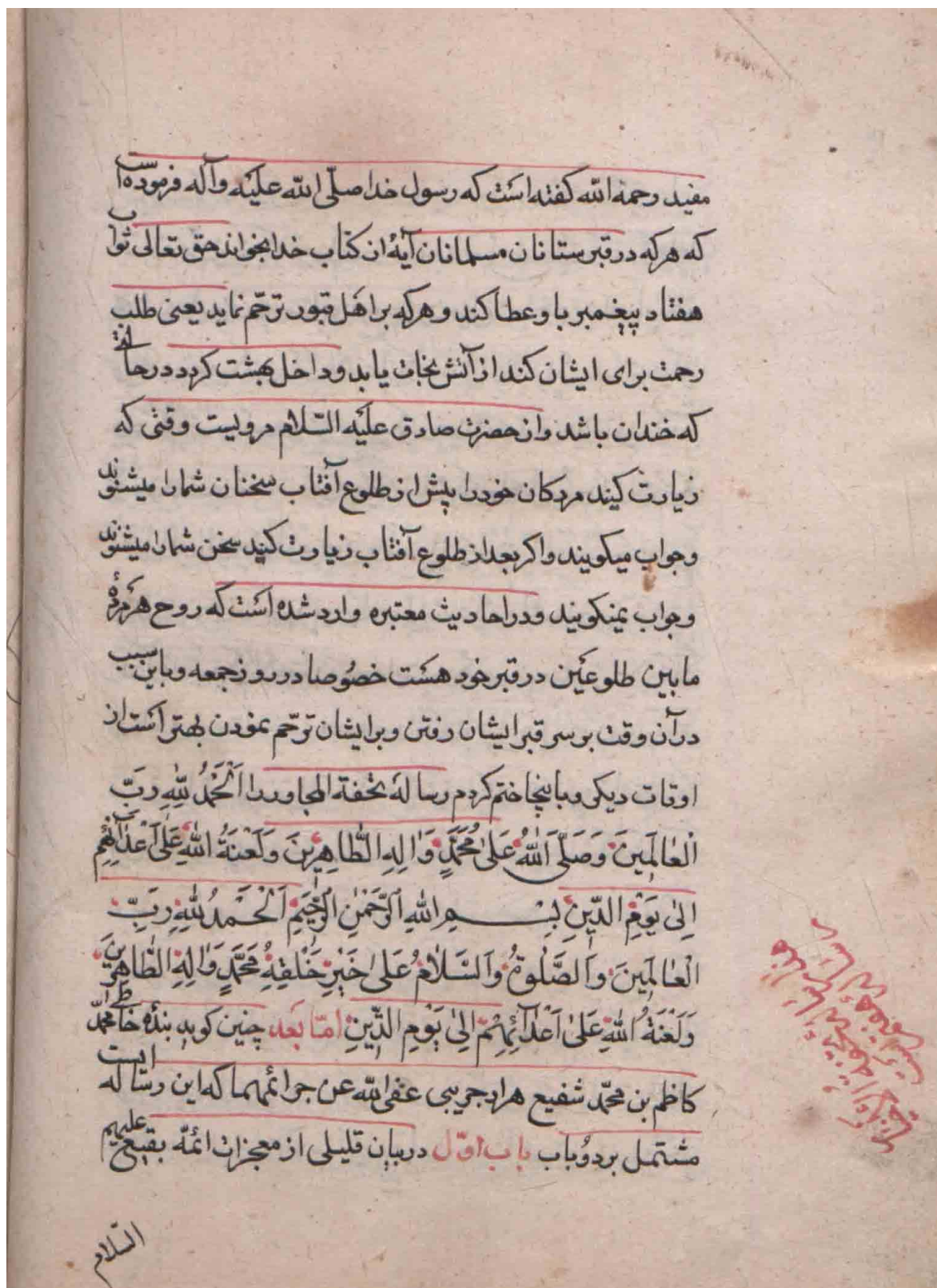
### الف) کتاب‌ها و مقالات

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عربی، محی‌الدین، ۱۹۴۶م، فصوص‌الحکم، قاهره، ناشر: دار احیاء الکتب العربیة، چ اول.
۳. امامی اصفهانی، سید محمود، ثمرات‌الحیوة.
۴. حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۶۵، هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ پنجم.
۵. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، ۱۴۲۷ق، معاد شناسی، مشهد، انتشارات نور ملکوت قرآن، چ یازدهم.
۶. خراسانی، محمد هاشم بن محمد علی، ۱۳۷۶ش، منتخب‌التواریخ: در زندگانی چهارده معصوم<sup>۸</sup>، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة، چ پنجم.
۷. دستغیب، سید عبدالحسین، داستان‌های شگفت.
۸. دوانی، علی، ۱۳۸۱، مفاخر اسلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، چ سوم.
۹. دوانی، علی، ۱۳۶۲، آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی سرآمد محققین و دانشمندان شیعه در سده دوازدهم هجری، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ دوم.
۱۰. رضائی‌نسب، محمد (تهرانی)، ۱۳۹۶ش، داستان‌های حسینی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.
۱۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی &، چ اول.
۱۲. طبرسی نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۱۲ق، دارالسلام فیما يتعلق بالرؤیا و المنام، بیروت، نشر دارالبلاغه، چ دوم.
۱۳. قمی، عباس، ۱۳۸۵ش، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، قم، نشر بوستان کتاب، چ اول.
۱۴. قنبریان، علی، ۱۳۹۸ش، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمد کاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای‌مانده، طراح جلد و صفحه‌آرا و ویراستار و سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض، تهران: انتشارات میراث فرهیختگان، چ اول.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ش، عرفان حافظ، تهران، انتشارات صدرا، چ بیستم.
۱۷. نهاوندی، علی‌اکبر، ۱۳۸۶ش، العبقری الحسان، محقق و مصحح: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ اول.
۱۸. هزارجریبی، محمد کاظم، ۱۳۹۸ش، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه‌المغروبین، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.
۱۹. هزارجریبی، محمد کاظم، ۱۳۹۷ش، فضایل و کرامات علامه سید محمد مهدی بحر العلوم، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.
۲۰. هزارجریبی، محمد کاظم، ۱۳۹۵ش، احوال مردگان در قبرستان وادی‌السلام، مقدمه تصحیح و حواشی: علی قنبریان، تهران، نشر درخت زندگی، چ اول.

### ب) نسخه‌های خطی

۲۱. هزارجریبی، محمد کاظم، نسخه خطی منبه‌المغروبین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵.
۲۲. هزارجریبی، محمد کاظم، نسخه خطی رساله «تحفه‌المجاور»، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۴۵۲۷/۶.

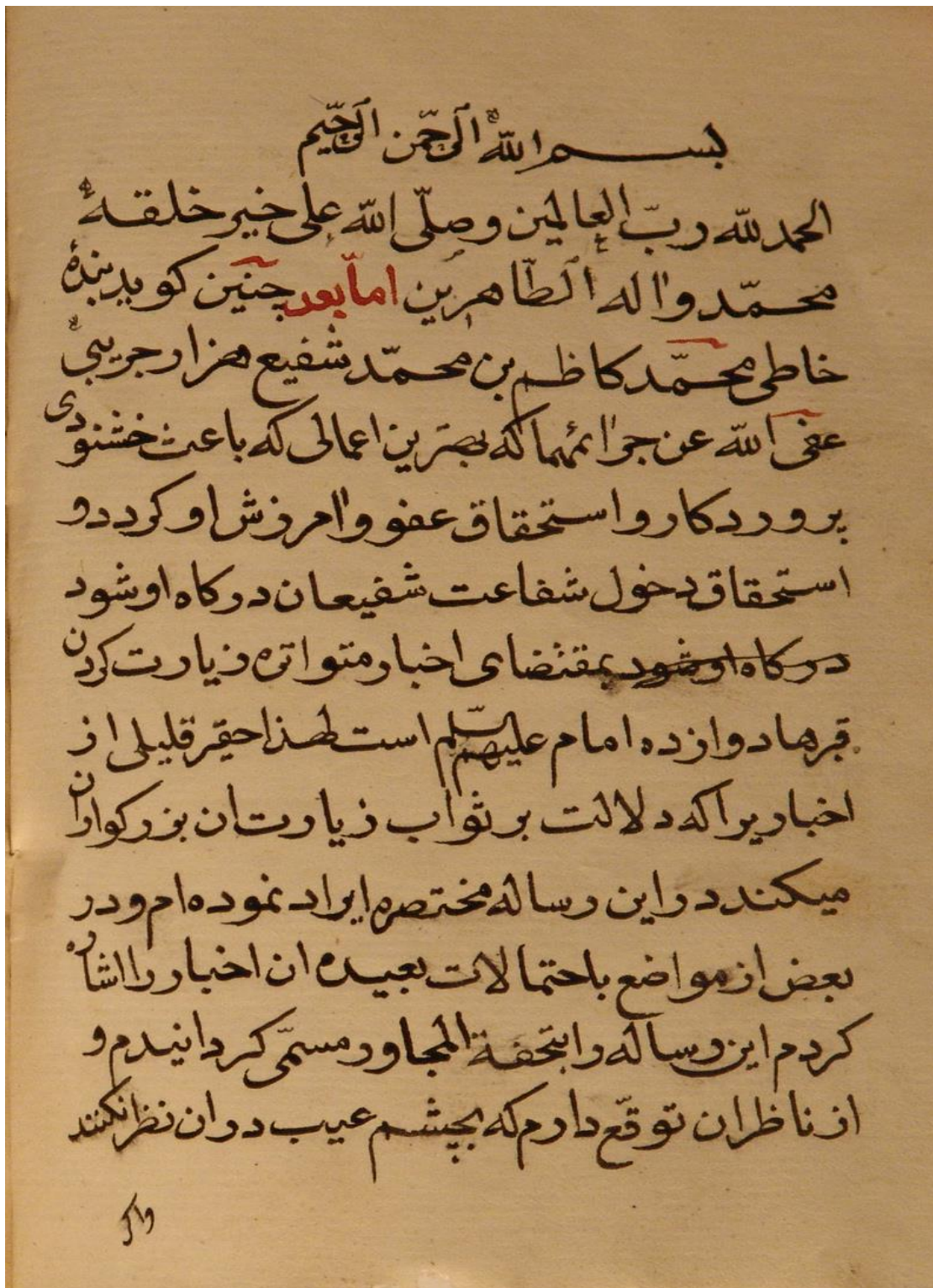
۲۳. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی رساله «تحفةالمجاور»، کتابخانه مروی، شماره بازیابی ۹۲۴.
۲۴. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی رساله «تحفةالمجاور»، کتابخانه مروی، شماره بازیابی ۹۵۲.
۲۵. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی تحفةالاخيار، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۷.
۲۶. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی تحفةالاخيار، کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره بازیابی: ۳۶۲۹.



صفحه اول نسخه خطی «تحفة الاخیار»

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره: ۴۵۲۷/۷





صفحه اول نسخه خطی «تحفة المجاور»

شماره ۹۵۲، کتابخانه مروی